



## طرح تدوین اطلس تاریخی زبان و ادب فارسی

روزهای آخر سال گذشته تا اواسط فروردین امسال که همه جا تعطیل بود و من بیشتر اوقات در دفترم بودم، به دو کار می پرداختم: یکی نهایی کردن «وصف ایران و برخی مناطق آن در نقشه‌های دوره اسلامی»، از انتشارات بنیاد ایران‌شناسی که چند و چون آن را باید به وقتی دیگر گذاشت؛ دیگری اندیشه درباره زبان فارسی و گستردگی آن در طول تاریخ که، در این باب، چند نکته از گفته‌های بزرگان ادب فارسی به ذهنم آمد. سعدی در دیباچه گلستان می‌فرماید: ذکر جمیل سعدی که در افواه عوام افتاده و صیت سخنش که در بسیط زمین رفته.

همچنین، در باب پنجم:

به جامع کاشغر درآمد پسری دیدم [نحوی]... مقدمه نحو زمخشری در دست [داشت]... مولدم پرسید. گفتم خاک شیراز. گفت از سخنان سعدی چه داری؟ گفتم: بُلَبْتُ بِنَحْوِي يَصُولُ مُعَاذِباً... لختی به اندیشه فرو رفت و گفت: غالب اشعار او در این زمین به زبان پارسی است اگر بگویی به فهم نزدیک‌تر است.

چند دهه بعد از سعدی، ابن بطوطه، که در دریای چین، با امیرزاده‌ای چینی، در کشتی یا قایقی نشست است، متوجه می‌شود که سرودخوانان این بیت از غزل سعدی را با اندک تغییری در یک دو کلمه می‌خوانند:

تا دل به مهرت داده‌ام در بحرِ فکر افتاده‌ام      چون در نماز استاده‌ام گویی به محرابم دری  
چه بسا خاقانی نیز در برابر کعبه و حرم نبوی برای گروهی از فارسی‌دانان و

پارسی‌گویان قصاید خود را انشاد کرده باشد.

مولانا در قونیه می‌فرماید:

فارسی‌گویییم همین تازی بهل هندوی آن تُرک باش ای آب و گیل

یا

پارسی‌گو گرچه تازی خوش‌ترست عشق را خود صد زبانِ دیگرست

حافظ می‌فرماید:

حافظ حدیثِ سحر فریبِ خوشت رسید تا حدّ چین و مصر و به اطرافِ روم و ری  
به شعرِ حافظ شیراز می‌رقصند و می‌نازند سیه‌چشمانِ کشمیری و ترکانِ سمرقندی  
شکرشکن شوند همه طوطیانِ هند زین قندِ پارسی که به بنگاله می‌رود

در دربار عثمانی به زبان فارسی شعر می‌گویند و اسناد را به زبان فارسی می‌نویسند و شرح‌مثنوی و اشعار حافظ را برای ترک‌زبان‌ها به زبان ترکی تألیف می‌کنند. در بوسنی شمار پارسی‌گویان بوسنیائی نظرگیر است و نمونه اشعارشان را استاد آیتی در یکی از تألیفات خود آورده‌اند.

افغانستان و تاجیکستان و سمرقند و بخارا هم که از دیرباز تا به امروز جای خود دارند. باری، با این اندیشه‌ها، طرح اقدام تازه‌ای در ذهنم نقش بست و آن اینکه چگونگی گسترش زبان فارسی از زمان فعال شدن زبان دری تا به امروز را گام به گام پی‌گیریم و نشان دهیم که، در هر دوره از ادوار تاریخی، قلمرو فرهنگی زبان فارسی چه بوده، در کدام مناطق به این زبان سخن می‌گفته‌اند یا آن را به عنوان زبان دوم به کار می‌برده‌اند و یا حداقل آن را می‌فهمیده‌اند هرچند نمی‌توانسته‌اند به آن سخن بگویند. سرانجام، حاصل این پژوهش را در نقشه‌هایی مربوط به هر دوره منعکس سازیم و از مجموع آنها اطلس قلمرو فرهنگی زبان فارسی را پدید آوریم. البته این آرزوست که اگر بر جوانان عیب نباشد برای من رنجور که نیرو و رمق جوانی ندارم چه بسا خیال مُحال باشد که در سر است. اما چه می‌توان کرد که، به قول مسرور،

ای آرزو هنوز جوانی من پیر گشتم و تو همانی

بی‌گمان تهیّه چنین اطلسی به همکاری گروهی از پژوهشگران کارآزموده پا به رکاب و

جوان نیاز دارد که منابع گوناگون تاریخی و جغرافیائی و ادبی و نیز اسناد و مدارک گوناگون را بررسی کنند و دوره‌ها و نقاط این قلمرو فرهنگی را بازشناسند و بر روی نقشه آورند. به عنوان پیشنهاد مقدماتی، لوازم و مقتضیات چنین اقدامی را به صورت طرح عرضه می‌دارم و امیدوارم این گام آغازگاه اجرای برنامه‌ای برای نیل به مقصود نهایی یعنی چاپ و نشر اطلس تاریخی قلمرو زبان و ادب فارسی گردد.

### طرح تدوین اطلس تاریخی قلمرو زبان و ادب فارسی از ابتدای ظهور اسلام تا به امروز

#### مقدمه

زبان فارسی دری، که پس از ظهور اسلام و افول زبان پهلوی رو به بالندگی گذاشت، از همان دوره آغازین حیات خود، در قلمروی بس فراخ‌تر از محدوده جغرافیائی ایران امروز رواج یافت. مسلمانان ایرانی فارسی زبان، که به انگیزه بازرگانی یا سیر آفاق و انفس و یا مقاصد دیگر به سند و هند و چین و ماچین و ژاپن و اندونزی و مالزی سفر کردند یا در این سرزمین‌ها رحل اقامت افکندند، در گسترش قلمرو این زبان و آموزش آن به بومیان سهیم گشتند. تدوین تاریخ این گسترش و تدوین اطلس تاریخی قلمرو فرهنگی این زبان - به تعبیر حافظ، قند پارسی که حدیثی سحر فریب دارد - کار شایسته و بایسته‌ای است که، هرچند دیر شده، باید بدان دست زد تا مقدمه‌ای گردد برای اندیشیدن درباره راه‌های نفوذ آن در ساحات و جوامع فرهنگی گسترده‌تر.

#### هدف و موضوع پژوهش

هدف از اجرای این طرح تدوین اطلس تاریخی قلمرو زبان و ادب فارسی است به منظور آشنایی با جغرافیای جهانی این زبان و گستره و دامنه نفوذ آن طی حیات آن. بنابراین، موضوع طرح بررسی دوره‌های تاریخی قلمرو این زبان خواهد بود از ابتدای حضور در عرصه جغرافیائی جهان تا زمان حاضر و دوره‌بندی فعالیت‌های آن و نیز رتبه‌بندی آن در جمع زبان‌هایی که در هر یک از مناطق و عرصه‌ها بدان‌ها تکلم می‌شده است یا

می‌شود. بدین قرار، معلوم خواهد شد که، در هر دوره، زبان فارسی زبان اول یا دوم و یا صرفاً زبان فرهیختگان و جهانگردان و بازرگانان کدام خطه‌ها بوده است.

#### روش و شیوه پژوهش

نخست باید به این نکته توجه کافی داشت که بررسی موضوع این پژوهش، با توجه به گستره زمانی و مکانی تحقیق، کار ساده و آسانی نیست. در بسیاری از مقاطع و دوره‌های آغازین، مدارک و اسناد کافی وجود ندارد یا چندان اندک و مختصر است که با بررسی آنها به دشواری می‌توان به نتیجه‌ای قطعی یا دست کم درخور اعتنا رسید. اما به مقتضای ما لا یُدْرَکُ کُلُّهٗ لا یُتْرَکُ کُلُّهٗ و فوایدی که از اطلاعات ناقص نیز می‌توان انتظار داشت، ثمربخش بودن نفس این بررسی محرز است، نهایت آنکه، هرگاه آحیاناً نتایج دوره‌های آغازین وافی به مقصود نباشد، می‌توان آنها را به حیث مقدمه پژوهش تلقی کرد و زمانی را مبدأ واقعی پژوهش برگزید که تحقیق حاصل قابل قبولی را نوید دهد و خیزگاه مطمئنی باشد برای دست یافتن به منابع و نتیجه‌گیری‌های پذیرفتنی یا درخور توجه.

با قبول این نکات، شایسته است آنها را مبنای پژوهش‌های بعدی در نظرگیریم و، چون منابع عمده اطلاعاتی ما مدارک و اسناد است، باید مواد مکتوب، اعم از نظم و نثر، آثار مدون یا اسناد و مدارک پراکنده را مطمح نظر سازیم زیرا تنها در دوره اخیر است که به مدارک صوتی و تصویری یا حاصل پژوهش‌های میدانی می‌توانیم استناد کنیم.

مدارک و اسناد موجود را می‌توان به اعتبارات زیر دوره‌بندی و دسته‌بندی کرد و برای تحلیل آماده ساخت: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
دوره‌بندی - از جمله ضابطه‌هایی که می‌توان پژوهش را براساس آن استوار کرد تعیین دوره‌های حیات زبان فارسی و قلمرو آن از آغاز تا به امروز است. این دوره‌ها شایسته است تاریخی باشد نه تقویمی.

منطقه‌بندی - در هر دوره باید تعیین کرد که در کدام منطقه یا مناطق زبان فارسی حضور داشته است و این حضور، با توجه به مدارک و اسناد، از چه نوع بوده است: صرفاً تکلم اهالی به زبان فارسی یا ظهور آثار زبانی و ادبی اعم از نثر و نظم با تعیین تقدم این یا

آن صورت؛ یا هم تکلم اهالی و هم پدید آمدن آثار. رتبه‌بندی براین اساس که زبان فارسی در میان زبان‌های رایج در هر منطقه چه جایگاهی داشته: زبان اصلی و رسمی بوده است یا زبان دوم و یا زبان فرهیختگان و یا قشرها و اصناف معینی از جامعه (مثلاً اعیان و اشراف، بازرگانان، سیاحتگران). ممکن است، در هر دوره، تقسیم‌بندی براساس هر دو ضابطه منطقه و رتبه باشد.

#### منابع

منابع این پژوهش به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. مکتوبات: که چند نوع‌اند:

- کتاب‌های فارسی اعم از نظم و نثر مربوط به یک محل گواه بر آنکه در آن محل زبان فارسی حضور داشته است. چنانچه موضوع کتاب‌ها مربوط به امور محلی باشد، می‌توان نتیجه گرفت که به احتمال قوی زبان فارسی در آن محل رواج داشته است و مخاطبان اصلی کتاب‌ها اهل محل و حداقل اهل تحقیق آن بوده‌اند.
- کتاب‌ها و گزارش‌هایی که از حضور زبان فارسی در محلی معین سخن می‌گویند. فی‌المثل، ناصرخسرو در سفرنامه خود و ابن بطوطه در رحله خویش به زبان‌هایی که اهالی هر محل به آنها سخن می‌گفته‌اند اشاره کرده‌اند. آثار تحقیقی متعلق به گذشته یا زمان ما نیز، به جایگاه زبان فارسی در محل‌ها و مناطق معین اشاره صریح دارند.
- کتیبه‌ها که در محل بر در و دیوار شهر نصب‌اند نیز نشانه حضور زبان فارسی در آنند. مثلاً، بر سردر خانه‌ها اشعار فارسی نوشته شده است که شاید بتوان آن را شاهد آن گرفت که، در دوره‌ای، فارسی چندان در آن شهر رواج داشته که اشعاری به آن زبان زینت‌بخش در و دیوار شهر می‌شده است.
- عهدنامه‌ها و مراسلات اداری که نشان می‌دهند در منطقه‌ای معین زبان فارسی به حیث زبان رسمی اداری به کار می‌رفته است. مدارک و اسناد دیوانی متعلق به دربار عثمانی از شواهد متقن این امر است.

#### ۲. تحقیق میدانی

این تحقیق، که درباره آنچه به زمان معاصر تعلق دارد صورت می‌گیرد، ممکن است

در محلّ معین انجام شود یا گزارش‌هایی مربوط به زمان معاصر باشد که از حضور زبان فارسی حکایت می‌کنند. مدارک و اسنادی هم که در قانون اساسی کشورها به زبان اشاره دارند و در آنها از زبان فارسی نام برده شده در زمره منابع تحقیق میدانی شمرده می‌شوند.

تحقیق میدانی، در این پژوهش، عملاً در درجه دوم قرار می‌گیرد و به پنجاه شصت سال اخیر، که امکان آن وجود دارد محدود می‌گردد. البته کتیبه‌ها نیز می‌توانند از طریق مشاهده و معاینه بررسی شوند. روشن است که منابع مکتوب در دوره‌بندی‌های تعیین شده قرار می‌گیرند و باید به دقت مطالعه شوند.

تنظیم موادّ مستخرج از منابع، پس از دسته‌بندی‌های دوگانه دوره‌ای و منطقه‌ای، انجام خواهد گرفت و، بر اساس آنها، نقشه مناطق مربوط به هر دوره، با نشانه‌گذاری محل‌ها، تهیه خواهد شد. با توجه به نقشه‌ها، حضور زبان فارسی و رتبه‌بندی آن توصیف و تحلیل خواهد شد.

#### مراحل پژوهش

مراحل پژوهش را می‌توان به شرح زیر پیش‌بینی کرد:

– منابع مکتوب بر حسب زمان و مکان به دو دسته جدا تقسیم می‌شوند و هر دسته را چند پژوهشگر بررسی می‌کنند.

نام و نشان منابع فارسی اعم از نظم و نثر و مشخصات نسخه‌شناختی و کتاب‌شناختی آنها تهیه می‌شود و دوره‌ای که بدان تعلق دارند معین می‌گردد. منابع، در حدّ امکان، از لحاظ رتبه‌بندی حضور زبان فارسی نیز، بررسی می‌شوند.

– مطالب کتاب‌ها و گزارش‌هایی که درباره حضور زبان فارسی اطلاعاتی به دست دهند بررسی و دوره‌بندی می‌شوند.

– کتیبه‌ها، بر اساس گزارش‌های دقیق حاوی متن و مشخصات محلّ آنها، ثبت می‌شوند. گزارش‌ها یا از پیش – در منابع، مستقیم یا به واسطه – وجود دارند و یا به دست گزارشگران موثّق حاضر در محل و یا پژوهشگران از طریق بازدید محلی تهیه می‌شوند.

#### سازمان مجری و لوازم و کارهای آن

طرح در سازمانی مرکب از مسئول طرح و چند پژوهشگر اجرا می‌شود. شمار

پژوهشگران هرچه کمتر خواهد بود تا مسئول طرح بتوانند به کار همه آنان اشراف داشته باشد و به موقع آنان را راهنمایی کند. کتاب‌ها و مدارک و گزارش‌های لازم برای این طرح به تدریج تهیه و در اختیار پژوهشگران گذاشته می‌شود.

پس از آنکه منابع پژوهش به اندازه کافی تهیه شد، یک یا دو تن از پژوهشگران که به مطالب آنها اشراف دارند به توصیف و تحلیل نوشته‌ها می‌پردازند. مجری طرح، که خود نیز در نسخه‌برداری از منابع مشارکت داشته، محصول کار پژوهشگران را بررسی و، بر اساس دوره‌ها و مناطق، بخش‌بندی می‌کند و با یاری کارشناسان نقشه‌کشی و نقشه‌خوانی اطلاعات را بر روی نقشه‌ها منعکس می‌سازد.

اطلس تاریخی قلمرو زبان و ادب فارسی، پس از تدوین و تنظیم نهائی فصل‌ها و صفحه‌آرایی و درج نقشه‌های آماده‌شده - سیاه سفید یا رنگی - در جاهای مناسب، به چاپ می‌رسد.

\* حسن حبیبی

□

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی